

اخلاق کاتولیسم و روح سرمایه‌داری: مطالعه نحله یسوعیان

یزدان کیخسرو دولتیاری *
دکتر هادی آجیلی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۰۵
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۱



چکیده

در دوره قرون وسطی، حوزه «اقتصاد»، در چارچوب اندیشه غالب کلیسا، شاخه‌ای از علم الهیات به حساب می‌آمد که در مبحث «خداشناسی اخلاقی» معنا می‌یافت. بدین ترتیب روحانیون بر جزئیات آن نظارت داشتند. استبداد دینی کلیسا لوتر را از آراء آگوستینی خود برگردانید و وی را به دیدگاهی انتقادی نسبت به باورهای کلیسای کاتولیک رساند.

ماکس وبر در کتاب «اخلاق پروتستان»، ارتباط میان پروتستانیزم زهدگرایانه و روح سرمایه‌داری را کشف کرد. زهدگرایی این جهانی که اصلاح و کنترل جهان را جستجو می‌کند. نتایج تجربی صحت مدعای وبر را کاملاً تأیید می‌کند. با این وجود، مسئله اساسی پژوهش حاضر آن است که گرچه اعتراف به نقش بزرگ لوتر در گذر به دوران جدید و اشارت صحیح و ظریف وبر به آن طبیعی می‌نماید، اما در زمان رفرماسیون مذهبی، به ضرورت زمان، اصلاح‌گران بزرگی نیز از درون کلیسای کاتولیک سربرآوردند. بنابراین پرسش اصلی پژوهش آنست که آیا در گذار به دوران جدید و در پیدایش سرمایه‌داری می‌توان در کلیسای کاتولیک نشانی یافت؟

فرضیه اصلی مقاله بیان می‌دارد که بخشی از آن آزادسازی و عرفی‌سازی تاریخی از درون کاتولیسم و با نقش‌آفرینی نحله «ژزوئیت‌ها» اتفاق افتاده و تنها مختص به نهضت پروتستان نیست. این امر تا بدانجا پیش رفت که روحانیون ژزوئیتی، ربا را نیز حلال اعلام کردند و محققان آنان، مبلغان اقتصاد آزاد در سراسر دنیا شدند. **واژگان کلیدی:** کاتولیسم، پروتستانیزم، ژزوئیت‌ها، وبر، سرمایه‌داری، ایگناتیوس د لولیا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کلیسای کاتولیک^۱ با عطف به بیست‌هفت نوشته مذهبی یعنی اناجیل چهارگانه، متی^۲، مرقس^۳، لوقا^۴، یوحنا^۵، که زندگی حضرت عیسی (ع) از بدو تولد تا عروج به آسمان را شرح داده‌اند، اعمال رسولان^۶، نامه‌های پولس^۷، رساله‌های عام و نیز امور مصوب شوراهای کاتولیکی همانند تعمیم اطفال^۸، تأیید میثاق^۹، عشاء ربانی^{۱۰}، توبه و اقرار به گناهان^{۱۱}، تشریفات ازدواج^{۱۲}، مسیح محتضر^{۱۳}؛ قوام یافته است. شوراهایی که معتقدند کلیسای آنها نماینده حقیقی کلیسای مسیح است.

برای نخستین بار ایگناتوس د لولیا^{۱۵} (۱۰۷-۳۵م) بنیانگذار جماعت ژزوئیت‌ها از کلمه «کاتولیک» استفاده کرد و آن را در معنای تمام مؤمنان مسیحی به کار برد. (Lawrence, 2009: 4) پل تیلیخ^{۱۶} جوهر و ماهیت آن را تبعیت از سنت و اعتماد به خدا می‌داند. تیلیخ میان جوهره کاتولیک با جوهره پروتستان تفاوت قائل است. وی از لفظ جوهر^{۱۷} استفاده می‌کند و می‌گوید: جوهره کاتولیک تبعیت از سنت است در حالی که اصول پروتستان در مخالفت با سنت و تبعیت از کتاب مقدس داوری می‌شود (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۴۴). تبعیتی که نگاه به گذشته داشت و از پژواک صدای آن تنها منقولات گذشتگان به گوش می‌خورد. این رویکرد نقلی و تبعی عامل سقوط بزرگ اخلاقی و علمی غربیان در قرون میانه شد. تا آنجا که روحانیون متعصب مسیحی به واسطه تنگ‌نظری‌های خود، جلوی پیشرفت علم و عقل را گرفتند.

۱. لغت کلیسا مشتق از واژه "kyriakon" یونانی به معنای تعلق و بستگی و نیز "Kyrious" (خداوند) (θεός) و به معنای خانه یا جامعه خداوند است. در زبان‌های رومی نیز واژه‌های "Eglise, Chiese, Iglesia, Ecclesia" یا مشتق از واژه یونانی Ekklesia است که در عهد جدید نیز به کار رفته است و یا مشتق از واژه عبری قاهال "Qahal" به معنای مجمع (جمعیت خدا) (קהל) است (Kong, ۲۰۰۷: ۵). معنای عمومی آن می‌تواند خانه خداوند (the household of God) باشد. چنانچه در رساله افسسیان "Ephesians" آمده است «پس از این به بعد غریب و اجنبی نیستید بلکه هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه خدا». (Epistle of St. Paul to the Ephesians - Chapter 3: 19)

۲. واژه کاتولیک برآمده از لغت لاتین (catholicus) می‌باشد که خود آن ریشه در واژه کهن یونانی (καθολικ) دارد. که به معنای «جهانی» می‌باشد.

3. St. Matthew
4. St. Mark
5. St. Joke
6. St. John
7. Acts of the Apostles
8. Epistle of St poles
۹. (Confirmation) یک کاتولیک هنگامی که به سن بلوغ می‌رسد، نزد کشیش می‌رود و میثاق خود را تأیید می‌کند.
۱۰. (Baptism) هر نوزاد مسیحی پس از تولد تعمیم (نوعی غسل تمثیلی) می‌یابد و کشیش از خداوند حمایت کودک را می‌خواهد.
۱۱. (Eucharist) مراسم تمثیلی تقدیس نان و شرابی که حضرت عیسی (ع) در شب آخر حیات خود تناول فرمود.
۱۲. (Penance or Reconciliation) یک کاتولیک می‌تواند طی تشریفات به گناهان خود اعتراف کرده و از معاصی خود توبه کند.
۱۳. (Matrimony) مراسم ازدواج مرد و زن مسیحی طبق تشریفات در کلیسا و با حضور کشیش.
۱۴. (Anointing of the Sick) تدهین یک کاتولیک بیمار محتضر با روغن زیتون مقدس و دعای مخصوص کشیش بر وی.
15. Ignatius de lolya
16. Paul Tillich
17. substance

بین ۱۵۶۶ تا ۱۶۱۹، در شهر روم، پایتخت دینی اروپا، «کارنسکو»^۱ در آتش سوزانده شد، در برن^۲ سوئیس، «کالون»^۳ و «التینو جنتایل»^۴ را به طرز وحشتناکی به قتل رساندند، و «کامپانلا»^۵ با بی‌رحمی تمام شکنجه شده و بیست و هفت سال از عمر خود را در زندان ناپل^۶ به سر برد. «سارپی»^۷ به قتل رسید و «وانینی»^۸ نیز در تولوز^۹ زنده زنده در آتش سوزانده شد (توفیق الطویل، ۱۳۸۳: ۵۷). «جوردانو برنونا»^{۱۰} هم در سال ۱۶۰۰ در جریان استنطاق کلیسایی محکوم شد و وی را به جرم ایده جهان‌های لایتناهی در آتش سوزاندند (Clausen, 2008: 4).

در جریان سخت‌گیری‌های کلیسا، گالیله به ناچار کشفیات خود را شتابان در کتاب کوچکی به نام پیام ستارگان منتشر کرد. دیری نپایید که کشمکش کلیسا با وی شروع شد. در سال ۱۶۱۶، مشاوران دربار مقدس (واتیکان) نظر دادند که گردش خورشید، حکم کلیسا است و آموزه گالیله، کفر است. در ۲۶ فوریه {همان سال} نماینده‌ای از دربار مقدس، گالیله را فراخواند و به او فرمان داد از عقیده مذکور، که خورشید کانون جهان و زمین متحرک است، یکسره دست بشوید و از این پس به هیچ وجه، کتباً یا شفاهاً، بر این عقیده پا ن فشارد، آن را درس ندهد و از آن دفاع نکند، وگرنه، دربار مقدس علیه او اقدام خواهد کرد. گالیله به این حکم رضایت داد و تعهد سپرد آن را اطاعت کند (دان، ۱۳۸۱: ۶۲).

کلیسا گالیله را مجبور به اقرار گناه کرد و فضا به گونه‌ای گشت که گالیله رسماً مجبور به اعتراف گناه شد «من مرتدم و کفرگو، و بدینسان نفرت خود را از آن خطاها و کفرها اعلام می‌دارم.»^{۱۱} (Clausen, 2008: 7). بدین ترتیب «گالیله»^{۱۲} با اجبار در حضور راهبان جزم‌اندیش گفتار خویش را پس گرفت و کتاب دیالوگ وی تا سال ۱۷۴۱ در فهرست آثار ممنوعه قرار گرفت. (Clausen, 2008: 8)

می‌توان گفت که دانشمندان یونانی در عصر باستانی خود هرگز مشکلات فلاسفه و دانشمندان اروپایی قرون میانه را نداشته‌اند. (توفیق الطویل، ۱۳۸۳: ۵۷).

1. Carnesco
2. Berne
3. Calvin
4. Gentile
5. Campanella
6. Naples
7. Sarpy
8. Giulio Cesare Vanini
9. Toulouse
10. Gordano Bruno
11. I abjure, curse, and detest the aforesaid errors and heresies
12. Galileo

بدین ترتیب علم و کلیسا در تقابل با هم قرار گرفتند. چنانچه نیوتن که شخصاً دارای باورهای عمیق مذهبی بود، {مخالفین کلیسا} از یافته‌های علمی او در جهت تقابل و مخالفت با کلیسا بهره می‌بردند (Walker & Norris, Lotz, handy 1985: 569-570).

این چنین اعمال متحجرانه‌ای واکنش و بیداری بزرگی را در پی داشت که «جنبش اصلاح دینی» نام گرفت. ریشه‌های اولیه این جنبش در قرون وسطا و در نقد نگرش کلیسای کاتولیکی ظاهر گشت و در نهایت در قالب «پروتستانیزم» توانست به تأسیس گونه‌ای دیگر از کلیسای مسیحی در غرب، منجر شود (باتامور، الگار، احمد، ۱۳۷۹: ۲۴۳) که هسته اصلی آن اعتراض برای اصلاح^۱ بود (Bishop, 2004: 3). آنان بر این باور بودند که کلیسای کاتولیک با بهره‌مندی از باورها و اعتقادات نادرست مردم، به سودجویی همت گمارده و لذا هدف اولیه خود را «اصلاح مذهبی» و نیل به «روح واقعی حاکم بر دین مسیحیت» معرفی می‌کردند. این جنبش اگر چه سرآغازی مذهبی داشت، لیکن به سرعت گسترش یافته و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجب تأثیرات شگرفی گردید. غالباً اگر چه رفرماسیون با نام «لوتر» شناخته می‌شود، ولی سهم اندیشه‌گران سابق بر او را - که معمولاً از آنها ذکری در متون عادی نمی‌شود - نباید نادیده انگاشت. هوس^۲، ویکلیف^۳ و کالت^۴ از جمله محققانی هستند که با مرور اندیشه‌های‌شان می‌توان به راحتی ردپای ایده‌های لوتری را مشاهده کرد. به ویژه جان ویکلیف که می‌توان او را سلف رفرماسیون لقب داد. فردی که اگر چه تأثیرات مهمی در بنیان‌گذاری رفرماسیون داشته؛ اما کمتر کسی از او یاد کرده است. (باتامور، الگار، احمد، ۱۳۷۹: ۲۴۳)

مارتین لوتر از اساتید برجسته الهیات در دانشگاه ویتنبرگ^۵ بود که در سنت فلسفی موسوم به «سنت آگوستینی» رشد کرده و به دیدگاه انتقادی دست می‌یابد که با باورهای کلیسای کاتولیک در تعارض بود. چنانچه نوشته‌های وی در سال ۱۵۲۲ برگشتی بود از آراء آگوستینی خود. (Bishop, 2004: 9) تصویر «لوتر معترض» اولین بار در گفتگوی انتقادی‌اش با «کاردینال کاجینان»^۶ در سال ۱۵۱۸ و پس از آن در

1. the protest for reform
2. Huss
3. Wycliffe
4. Colet
5. Wittenberg
6. Cardinal Cajitan

مناظره‌ای که او با «جوآن اِک»^۱ در سال ۱۵۱۹ داشت، تجلی کرد. دیدگاه اصلاحی لوتر چنانکه گمان می‌رفت، مخالفت شدید پاپ را برانگیخت و لوتر اقدام به ارائه پاسخ‌هایی کرد که در بسط نگرش رفورمیستی مؤثر بود. مجموعه گفتارهای بیان شده در این دوران، به صورت متون مرجعی درآمد که پیوسته مد نظر هواداران جنبش رفورمیستی بوده است (باتامور، الگار، احمد، ۱۳۷۹: ۲۴۴). لوتر در اعلامیه ۹۵ ماده‌ای خود، در قالب پرسش‌های مهمی بعضی از مهم‌ترین بنیادهای کلیسای کاتولیک همچون توبه^۲، نیکوکاری^۳ و رستگاری^۴ را به چالش کشید (Bishop, 2004: 3). وی به شدت قدرت پاپ و توان آمرزش وی را به سؤال کشید^۵. اقبال به ایده‌های لوتر چنان بود که در سال ۱۵۲۰ پاپ متوجه بسط آنها در میان اقشار مختلف جامعه گردید. جنبش رفورمیستی در آلمان به شکل‌گیری کلیسای تازه‌ای معروف به کلیسای اصلاحی^۶ شد. کلیساهای اصلاحی به کلیساهایی در اروپا گفته می‌شد که در زمان حاکمیت بپنش رفورمیستی، اقدام به بازنگری در عقاید، باورها و اصول عملی مسیحیت کردند و شکل تازه‌ای از روابط بین مردم، خدا و اعمال عبادی^۷ را ارائه نمودند. این جریان از زوریخ^۸ و استراسبورگ^۹ آغاز و سپس تمام جنوب آلمان، فرانسه، لهستان، انگلستان و مجارستان را دربرگرفت. (باتامور، الگار، احمد، ۱۳۷۹: ۲۴۴)

کاتولیک‌ها و پروتستان در اصولی اساسی با همدیگر تفاوت دارند که نشان از اهمیت ساختار و سنت در اندیشه کاتولیکی و اهمیت فرد و اندیشه وی در مذهب پروتستان دارد. کلیسای کاتولیک دارای ساختار سازمانی و سلسله مراتب مشخص است که پدران روحانی تحت نظر اسقف‌های محلی و وی نیز تحت نظر پاپ کلیسا را اداره می‌کنند. در مذهب پروتستان هر کلیسا به صورت محلی و خارج از نظارت

1. Johan Eck
2. Penance
3. Righteousness
4. Salvation

۵. بعضی از مهم‌ترین آن اصول بدین ترتیب است: پاپ نه قدرت و نه اراده آن را دارد که مجازاتی را عفو کند، مگر مجازاتی‌هایی که خودش با صواب‌دید خود یا برحسب قانون کلیسایی وضع کرده است (Luther, ۱۵۱۷: Theses no.۵). حتی برای فرهیخته‌ترین الهیدانان بسیار دشوار است که با مردم درباره مزایای فراوان آمرزش‌نامه‌ها سخن به میان آورند، و در عین حال، در زمانی بعد از فضیلت توبه بگویند (Theses no.۳۹) به مسیحیان باید آموخت که کسی که به بینوایان کمک می‌کند یا به افراد نیازمند قرض می‌دهد، کارش بهتر از کار کسانی است که مبادرت به خرید آمرزش‌نامه‌ها می‌کنند. (Theses no.۲۳) به مسیحیان باید آموخت که اگر پاپ اخاذی‌ها و باجگیری‌های واعظان آمرزش‌نامه‌ها را می‌دانست، ترجیح می‌داد که کلیسای سنت پیتر به تلی از خاک تبدیل می‌شد تا این که با پوست، گوشت و استخوان رمه‌هایش برپا شود (Theses no.۵۰) این سخن کفر است که نماد صلیب با بازوان پاپ با صلیبی که مسیح بر بالای آن جان داد ارزش یکسانی دارند (Theses no.۷۹). در برگردان مواد از ترجمه اعلامیه ۹۵ ماده‌ای لوتر توسط بهروز حدادی در مجله هفت آسمان (زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۸) بهره گرفته شده است.

6. Reformed Church
7. Worship
8. Zurich
9. Strasbourg

پاپ اداره می‌گردد. کلیسای کاتولیک معتقد است که حق تفسیر کتاب مقدس و تدوین اصول اعتقادات با کلیسا است، اما در کلیساهای پروتستان هر فرد مسیحی در تفسیر کتاب مقدس آزاد است. کلیسای کاتولیک بر اساس سنت باستانی کلیسا به سه مرجع کتاب مقدس، نوشته‌های پدران کلیسا در سده‌های نخستین مسیحیت و سنن آنان و مصوبات مجمع اسقفان کلیساهای کاتولیک از سراسر جهان قوام یافته است، اما شعار اصلاح‌گران این بود فقط کتاب مقدس به عنوان معیار می‌تواند باشد و نمی‌توان نوشته‌های پدران کلیسا را به آن افزود و یا در کنار آن آورد و با کتاب مقدس هم‌تراز شمرد. در کلیسای کاتولیک آیین‌ها خصوصاً آیین عشاء ربانی عناصر اصلی عبادت را تشکیل می‌دهند. اما در کلیسای پروتستان موعظه کتاب مقدس در مرکز مراسم عبادی قرار دارد. در کاتولیسیم رستگاری از طریق کلیسا و آیین‌های کلیسایی به سوی شخص جاری می‌شود. اما در پروتستانیزم رستگاری شخص وابسته به کلیسا نیست و هر شخص می‌تواند بدون وساطت کلیسا در معرض فیض الهی واقع گردد.

وبر در کتاب «اخلاق پروتستان»، ارتباط میان پروتستانیزم زهدگرایانه و روح سرمایه‌داری را کشف کرد. تلقی وبر این بود که سرمایه‌داری غربی یک پدیده منحصر به فرد است و به خاطر همین تلقی به بررسی اخلاق اقتصادی نهفته در برخی نظام‌های ارزشی همچون کنفوسیوس، هندوئیسم، بودیسم و اسلام پرداخت تا معلوم سازد که اخلاق دینی آنها تا چه حد می‌توانست توسعه سرمایه‌داری را موجب شود. وبر در بررسی‌های مقایسه‌ای ادیان در پی آن است تا نشان دهد، شیوه‌ای که نظام‌های اعتقادی ادیان شرقی بر اساس آن عمل می‌کنند، مانع رشد نگرش اقتصاد «عقلانی» است. رونگ^۱ خاطر نشان می‌سازد که وبر متقاعد شده بود که مسیحیت در درون خود، از نیروی محرک پنهان سنت پیامبری عبری برخوردار است، در حالی که ادیان چینی و هندی فاقد این نیروی محرکه‌اند. از این رو، جای تعجب نیست که مشغله عمده وبر در جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی اجتماعی ادیان جهانی، اخلاق اقتصادی آنها و کشف رابطه درونی میان فرهنگ دینی و علائق اقتصادی گروه‌های خاص اجتماعی باشد. ارتباطی که وبر میان عقاید دینی با طبقه یا منزلت اجتماعی مؤمنان برقرار ساخته است، در حقیقت، به این نتیجه منتهی شد که برخی از نویسندگان او را به عنوان یک ماتریالیست خام توصیف کنند (پارکین، ۱۹۸۲: ص ۵۳ - ۵۲ به نقل از بریان، شرف‌الدین، ۱۳۷۹: ۳۳).

البته وبر با ظرافت خاصی به زهدگرایی موجود در پروتستانیزم توجه دارد اما آن را متفاوت از زهدگرایی در سایر ادیان می‌بیند. وی خاطر نشان می‌سازد که اساس زهدگرایی این جهانی یعنی یک نگرش دینی که اصلاح و کنترل این جهان را جستجو می‌کند. (برایان، شرف‌الدین، ۱۳۷۹: ۳۹). بنابراین، مقصود لوتر از زهد، مخالفت با ولنگاری مالی بود که آن را به کلیسا نسبت می‌داد (Bishop, 2004: 4). وبر نتیجه می‌گیرد که ادیان عمومی آسیا، برخلاف آیین پروتستانی زهدگرا، بر این باورند: «جهان به مثابه یک باغ بسیار دلربایی است که در طریق عملی برای جهت‌دهی به فرد یا نیل به اطمینان و آرامش در این جهان و جهان دیگر، حرمت یافته است، ارواح را به ریاضت وادار می‌کنند و از طریق آیین‌های ثابت، ستایش‌گرانه و مقدس، نجات را جستجو می‌کنند. از تدین جادویی طبقات عامیانه آسیایی هیچ راهی به کنترل عقلانی و روشمند زندگی منتهی نمی‌شود. همچنان که از سازگاری جهانی آیین کنفوسیوس، از خرد دنیا در آیین بودا، از غلبه جهانی اسلام و از انتظارات مسیح‌باورانه و... هیچ راهی به کنترل عقلانی و روشمند جهان یافت نمی‌شود (برایان، شرف‌الدین، ۱۳۷۹: ۴۰).

ماکس وبر معتقد است ریشه‌های اقتصادی و حتی فکری فرهنگ مدرن پس از دوران اصلاح مسیحی به وجود آمده که در فرقه‌های متفاوت پرهیزگار پروتستانی دیده می‌شود. امری که کاملاً مورد پذیرش است، اما در آثار وی جای اشاره به فرقه‌های کاتولیکی که خود بانی اقتصاد آزاد، عقل‌گرایی و تغییر نگرش کلیسای کاتولیکی بودند، خالی است. بنابراین، در این پژوهش به فرقه کاتولیکی «یسوعیان» پرداخته خواهد شد، سؤال اصلی پژوهش در تقابلی تلویحی با داعیه ماکس وبر مبتنی بر اخلاق سرمایه‌داری و روح سرمایه‌داری شکل پذیرفته است. امکان کشف گرایش‌های سرمایه‌دارانه از درون کلیسای کاتولیکی مهم‌ترین سؤال پژوهش حاضر است.

از سویی دیگر مسئله پژوهش، چگونگی رسیدن نحله یسوعیان از درون کلیسای کاتولیک به نتایج متفاوت از آموزه‌های کلیسای کاتولیک است. فرضیه پژوهش در مرحله نخست مبتنی بر امکان‌پذیری حصول اقتصاد سرمایه‌دارانه از عملکرد نحله کاتولیکی می‌باشد. در مرحله بعد فرضیه در باب تناقض درونی آراء کاتولیکی با نتایج و عملکرد نحله یسوعیان می‌باشد. بر این اساس، فرضیه مدعی است که نحله کاتولیکی یسوعیان دریافتی متفاوت از آموزه‌های کلیسای کاتولیک داشتند.

در این پژوهش ابتدا صحت مدعای ماکس وبر مورد بحث قرار خواهد گرفت،

سپس آن مدعا درباره نحله کاتولیکی یسوعیان پی‌گیری خواهد شد. پس نخست، تاریخچه و ریشه کاتولیکی نحله نشان داده خواهد شد، سپس عملکرد اقتصادی و نتایج سرمایه‌دارانه متفاوت و تا حدی متناقض با آموزه‌های اصلی کاتولیک مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. رهیافت نظری

با عطف به نوع داده‌های پژوهش، یعنی داده‌های تاریخی، روش مقاله توصیف و سپس تحلیل داده‌ها می‌باشد. توصیف و تحلیل انجام شده در قالب رهیافت نظری ارتباط میان الهیات و اقتصاد صورت پذیرفته است. چنانچه ماکس وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری خاستگاهی الهیاتی را به ریشه‌ها و شکل‌گیری سرمایه‌داری نسبت می‌دهد. به گونه‌ای که الهیات سایه سیطره خود را بر روابط اقتصادی و درک عواملین از آن را گسترانیده است. از این رهگذر، دین منبع و سرچشمه اصلی عمده فرهنگ اقتصادی است. یعنی آنکه باورها و نمادهای مذهبی نقش مهمی در شکل دادن به گرایش و رفتار اقتصادی دارند.

نوشتار حاضر در پی توصیف و تحلیل درک ویژه یسوعیان از آموزه‌های دینی و چگونگی تأثیر آن ادراک در رفتار اقتصادی آنان است.

داعیه این رهیافت مبتنی بر این نظر است که شئون اقتصادی، همراه با اخلاقی خاص مطرح گشته است. فهم آن نظام اخلاقی بدون شناخت الهیات نهفته در آن و یا درک خاصی از آن ناکافی و حتی ناممکن است. درک ویژه ایگناتیوس رهبر نحله یسوعیان از آیین مسیحیت باعث شده بود که وی همواره از راه اندرز به پیروان فرقه گوشزد کند که، حزم بیشتر و دینداری کمتر بر دینداری بیشتر و حزم کمتر ترجیح دارد. یسوعیان و از جمله شخص ایگناتیوس افرادی مذهبی بودند و درک آنان از اقتصاد و از جمله اقتصاد آزاد با آنچه امروزه و در دنیای مدرن در باب اقتصاد است متفاوت است. اقتصاد مدرن یک علم اثباتی است. مقدمتاً بر اینکه جهان چگونه عمل می‌کند تمرکز می‌یابد. در حالی که مسئله یسوعیان آن بود که جهان چگونه باید باشد. یعنی نگرش هنجاری. سبقه مذهبی قوی باعث آن شد که آنان اقتصاد را در راستای ابزار ببینند و نه هدف. با این حال و با وصف حرکت از درون کلیسای کاتولیک، آنچه که نهایتاً آنان را از آموزه‌های اصلی مسیحیت دور ساخت، نه دوری جستن از آن آموزه‌ها بود، بلکه دریافت و درک متفاوت آنان از آموزه‌ها بود. بنابراین، تحلیل حیات اقتصادی آنان در چارچوب الهیاتی صحیح می‌باشد.

این رهیافت مدعی هم‌آمیختگی حیات اقتصادی با نگرش ویژه انسان‌ها از الهیات است. پس انفکاک مدّ نظر آدام اسمیت^۱ را رد می‌کند. آنگونه که دانکن فولی^۲ در کتاب «مغالطه آدام اسمیت: رهنمودی به الهیات اقتصادی^۳» نشان داده است که، مطابق ادعای اسمیت نمی‌توان حیات اقتصادی و فضای آن را از تفکر دینی جدا ساخت. بلکه عملکردها و رفتارهای اقتصادی، متأثر از سلوک دینی و بازتابی از باورهای مذهبی است (ولو درک خاصی از آن باورها).

بنابراین، دین و آموزه‌های دینی از عوامل و منابع اساسی شکل دادن به کنش اجتماعی و تحولات اقتصادی به شمار می‌رود. موضوعی که در سده شانزدهم میلادی صدق محکم‌تری داشت. داعیه اصلی یسوعیان نیز حرکت از درون کلیسای کاتولیک بود. تناقض میان داعیه‌ها و نتایج عملکرد آنان که در پژوهش نشان داده شده است، ماحصل پنداشت ویژه و متفاوت آنان از دین بود و نه گریز از خود دین.

۲. مبحث وبر و مسئله پژوهش حاضر

سرمایه‌داری نیرویی فراگیر و سرنوشت‌ساز در دوران جدید است. هدف عمل اقتصادی در آن کسب حداکثر سود ممکن و انباشت آن است. نظام سرمایه‌داری تا اندازه‌ای نتیجه تغییر نگرش در نظام تفکر کار است. چنانچه در تفکر سنتی هدف از کار، رفع احتیاجات معیشتی است و فاعلان حرف گوناگون به دنبال ثروت‌اندوزی نبودند، در جهان سنتی سه عامل مانع ثروت‌اندوزی در کار می‌شد. یکی آنکه نتیجه کار معمولاً قابل پیش‌بینی و محدود بود. عمل اقتصادی با ابزار سنتی، تولید محدودی را باعث می‌شد که در بهترین حالت تنها رافع نیازهای روزمره بود. دوم آنکه، اساساً تلاش برای ثروت در جهت بهره از آنست، در گذشته و در غالب دوران سنتی و بالاخص تحت نظام‌های اقتدارگرا عموم مردمان تحت نظام مشخصی از مصرف و امکانات به سر می‌بردند و انباشت سکه‌های فراوان تغییر اساسی در زندگی فراهم نمی‌آورد. چرا که جهان آن دوران پیشنهادهای متنوعی برای مصرف و بهره از زندگی نداشت.^۴ سوم آنکه، غالباً در نظام‌های سنتی کسب

1. Duncan K. Foley

2. Adam Smith

3. Adam's fallacy: A guide to economic theology

۴. در پرتو تغییرات حاصله و گستردگی انتخاب مصرف و امکانات، امروزه عاملین حرف گوناگون به غیر از کسب درآمد در جهت رفع احتیاجات معیشتی به دنبال کسب ثروت نیز هستند. گاهی تلاش برای کسب ثروت به وسیله حرفی که حوزه محدود و نتایج محدود دارند مستلزم سطحی از فریب و بی‌اخلاقی اقتصادی است. امروزه در جامعه ایران، دسته‌ای از بی‌اخلاقی‌ها و تقلب‌های اقتصادی از این سیاق است. گویی رضایت و متانت در عاملین حرف خرد، جای خود را به عصبانیت و نارضایتی می‌دهد.

ثروت تا حدی مذموم بوده است.

نظریه وبر از جنبه‌های متعدد مورد انتقاد قرار گرفته است. برای مثال، برخی چنین استدلال کرده‌اند که نگرشی را که وبر «روحیه سرمایه‌داری» نامیده است، می‌توان در سده دوازدهم مدت‌ها پیش از آنکه هرگز نامی از کالونیسم به گوش کسی رسیده باشد، در شهرهای تجاری قدیمی ایتالیا مشاهده کرد. دیگران ادعا کرده‌اند که مفهوم اساسی «کار کردن برحسب تکلیف» که وبر آن را به آیین پروتستانی نسبت می‌دهد، پیش از آن در عقاید کاتولیکی نیز وجود داشت. اگر این نظریه وبر معتبر باشد، تکامل اقتصادی و اجتماعی مدرن به طور قطع از چیزی تأثیر پذیرفته است که در نگاه اول کاملاً بعید می‌نماید. نحوه اداره برخی از شهرهای ایتالیا به عنوان مؤسسات بازرگانی راستین که سندیکایی از ثروتمندترین صاحبان سهام مدیریت آنها را به عهده داشت، رابطه ناب‌تری را با نخستین شکل‌های سرمایه‌داری، در مقایسه با آنچه بین آیین پروتستان و سرمایه‌داری جریان داشت، برقرار کرد (<http://anthropology.ir>). اما صحبت وبر آن بود که نگرش دینی نقش مهمی در حیات اجتماعی و اقتصادی ملت‌ها بازی می‌کند و مدعای وی آن بود که پروتستانیزم، نسبت به آیین کاتولیسم، نیروی جدید و قدرتمندی برای رشد و پیشرفت در اختیار آنان گذاشت، چیزی که سرزمین‌های کاتولیک از آن محروم بودند. اکنون که نیم هزاره از جنبش پروتستان می‌گذرد به صورت تجربی می‌توان نشان داد که

جدول ۱: دین در کشورهای اروپای غربی (در حوالی سال ۱۸۷۰)

کشور	درصد پروتستان	درصد کاتولیک	کشور	درصد پروتستان	درصد کاتولیک
کشورهای پروتستان			کشورهای کاتولیک		
ایرلند	۱۲	۸۸	دانمارک	۹۹	۱
فرانسه	۴	۹۵	سوئد	۹۹	۱
اتریش	۱	۹۷	نروژ	۹۹	۱
ایتالیا	۱	۹۷	فنلاند	۹۸	۲
اسپانیا	۱	۹۷	انگستان	۹۱	۸.۵
پرتغال	۱	۹۷	آلمان	۶۲	۳۶.۵
بلژیک	۱	۹۵	هلند	۶۱	۳۸
			سوئیس	۵۸	۴۱

منبع: (Cristobal, ۲۰۰۹: ۴)، quoted by: (Delacroix and Nielsen, ۲۰۰۱)

کشورهای پروتستان همواره تولید ناخالص ملی بالاتری از دولت‌های کاتولیک داشتند. (Cristobal, 2009: 2).

در سال ۱۵۰۰، تمام اروپای غربی کاتولیک بودند. نهضت پروتستان ابتدا در آلمان شکل گرفت، که خیلی سریع به سوئیس، اسکانندیناوی، بریتانیا و هلند راه یافت و کشورهای چون اتریش، بلژیک، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال همچنان کاتولیک باقی ماندند. (Cristobal, 2009: 4).

دانشمند بزرگ، آنگوس مدیسون^۱ ضمن صرف ۴۰ سال کار علمی، در اثر برجسته خود «جهان اقتصاد: آمارهای تاریخی» رشد اقتصادی کشورهای پروتستان نسبت به کاتولیک‌ها را به خوبی نشان داده است. (Cristobal, 2009: 3).

کشور	نرخ رشد (%)	نرخ رشد (سالانه %)	کشور	نرخ رشد (%)	نرخ رشد (سالانه %)
کشورهای پروتستان			کشورهای کاتولیک		
ایتالیا	۱۶۰	۳۳۰	سوئیس	۱۸	۳۷
فرانسه	۱۵۳	۲۷۸	آلمان	۱۷	۳۱
بلژیک	۱۴۷	۲۷۷	سوئد	۱۶	۳۱
اتریش	۱۴۰	۲۴۵	فنلاند	۱۶	۲۸
ایرلند	۱۳۰	۲۴۴	نروژ	۱۴	۲۷
اسپانیا	۹۳	۱۹۴	انگلستان	۱۰	۲۲
پرتغال	۷۵	۱۹۰	دانمارک	۸	۲۱
		۱۰۴	هلند		۱۲
میلگین کشورهای کاتولیک	۱۳۷	۲۲۳	میلگین کشورهای پروتستان	۱۵	۲۵

منبع (با اندکی تغییر در ترتیب کشورها): (Cristobal, ۲۰۰۹: ۸)، quoted by: (Delacroix and Nielsen, ۲۰۰۱)

در سال ۱۵۰۰، کشورهای کاتولیک ثروتمندتر از کشورهایایی بودند که متعاقب نهضت اصلاح دینی، پروتستان شدند. میانگین تولید سرانه ناخالص ملی کاتولیک‌ها در حدود ۸۲۰ دلار بود. در حالی که این رقم برای کشورهایایی که بعداً پروتستان

1. Angus Maddison

شدند ۶۹۰ دلار بود. این دو گروه از کشورها تفاوتی در حدود ۱۸ درصد داشتند. اما در سال ۱۷۰۰، این تناسب واژگون گشت (Cristobal, 2009: 4).

رشد اقتصادی کشورهای پروتستان در قیاس با کشورهای کاتولیک باورنکردنی است. به طوری که اقتصاد آنها کاملاً پیشی گرفت و کشورهای پروتستانی چون هلند و انگلستان جای اسپانیا و پرتغال را گرفتند. چنانچه نرخ سرانه ناخالص ملی در هلند ۱۸۰ درصد و در انگلستان ۷۵ درصد رشد داشت. لکن در سده آتی آن رشد شتابان هلند کاهش یافت.

تحلیل نتایج تجربی رشد اقتصادی، به خوبی بر مبحث وبر تأکید می‌کند. به طوری که کشورهای پروتستان به استثنای هلند از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۶۰ که کشورهای اروپای غربی بنای همگرایی را گذاشتند، همواره و به طور مرتب در اقتصاد پیشی گرفتند. از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ اگر چه شکاف معنادار میان کشورهای کاتولیک و پروتستان کمتر شد، اما پروتستان‌ها همچنان پیشتاز بودند. (Cristobal, 2009: 6-8).

بنابراین نتایج تجربی صحت مدعای وبر را کاملاً تأیید می‌کند. اما دسته‌ای دیگر از منتقدان وبر، بر وی ایرادات نظری جدی وارد ساخته‌اند، که ضمن پذیرش آن رشد اقتصادی، آن را متأثر از عوامل دیگر دانسته‌اند، لکن به خوبی روشن نساخته‌اند که آن عوامل چرا در کشورهای کاتولیک به وجود نیامد. تاوونی^۱ منتقد وبر در اثر مهم خود «دین و پیدایش سرمایه‌داری»^۲ بیان می‌دارد که سرمایه‌داری بیشتر از آنکه برآمده از پروتستانیزم باشد، متأثر از عوامل فنی است. (Broderick, 1934: 10) پس پیوریتانیسم، آنگونه که وبر تلاش دارد از تئولوژی خودش استخراج کند، نمی‌تواند به تنهایی وامدار روح سرمایه‌داری باشد. (Broderick, 1934: 11)

اساساً وبر، برای فرقه‌های پروتستان زهدگرای قرون شانزدهم و هفدهم، یک جایگاه محوری در نظریه خود ملحوظ داشته است و آنها را به عنوان بنیان‌های ایدئولوژیکی و روان‌شناختی پنهان برای اخلاق سرمایه‌داری - یعنی کنترل عقلانی طبیعت و سودگرایی - تصور کرده است. از این رو، وبر به برجسته ساختن این جنبه‌های سنت یهودی - مسیحی که با توسعه زهدگرایی این جهانی همخوانی دارد، اهتمام کرده و عناصر صوفیانه، آیینی و جادویی این سنت را کم‌اهمیت نشان داده و در مقابل، از جهت‌گیری عقلانی و اخلاقی ادیان غیرغربی چشم‌پوشی کرده است (برایان، شرف‌الدین، ۱۳۷۹: ۴۲).

1. Tawny
 2. Religion and the Rise of Capitalism

مسئله پژوهش حاضر آنست که چگونه می‌توان همسان با مدعای وبر از درون کلیسای کاتولیکی گرایش‌های سرمایه‌داری را نشان داد. بنابراین، موضوع امکان وجود ریشه‌های سرمایه‌داری از درون کلیسای کاتولیکی مسئله اساسی پژوهش حاضر می‌باشد.

فرضیه مقاله در این راستا شکل یافته است که گرچه اعتراف به نقش بزرگ لوتر در گذر به دوران جدید و اشارت صحیح و ظریف وبر به آن، طبیعی می‌نماید اما در زمان رفرماسیون مذهبی، به ضرورت زمان اصلاح‌گران بزرگی از درون کلیسای کاتولیک سر برآوردند که تا حدی «سدّ تاریک استیلا و استبداد کشیشان»^۱ کاتولیکی توسط این اصلاح‌گران از درون شکسته شد. به گونه‌ای که در کنار روحانیون کاتولیکی که پیش‌تر منادی سرکوب اندیشمندان بزرگ بودند نسلی از مذهب‌یون دوستدار دانش و مبلغان سوداگر تولد یافتند که متفکران و مبلغان ژزوئیتی بهترین مثال آنند، چنانچه دانشگاه‌های بزرگ ژزوئیتی دانشمندان بزرگی همچون دکارت^۲ را تربیت نمودند.^۳ در واقع اصلاح‌طلبی پروتستانیسم بخشی از غرش تندی که ژزوئیت‌ها آغاز کرده بودند را به سرقت برد و این مسئله برای درک علل نادیده‌انگاری یسوعیان در تحول اقتصاد در نزد منابع اقتصادی مهم است. (Fleming, Rigamer, Block, 2012: 3)

۳. جماعت ژزوئیت‌ها (یسوعیان)

۳.۱. پیدایش نحله کاتولیکی جدید

در سال ۱۵۰۰ میلادی، اقتصاد شاخه‌ای از علم الهیات به حساب می‌آمد، که در مبحث خداشناسی اخلاقی معنا می‌یافت. بدین ترتیب روحانیون بر جزئیات آن نظارت داشتند. چنانچه اعمال عادی اقتصادی را کنترل و واری می‌کردند. (Tawny, 1926: 278-279) اما نهضت اصلاح دینی، عرفی شدن اقتصاد و جدایی آن از دین را به ارمغان آورد. این عرفی‌سازی، کنترل روحانیون بر اعمال اقتصادی را بسیار

۱. مجله کاوه به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۲۹۰ در مطلبی با عنوان «مشاهیر مردمان مشرق و مغرب» چنین می‌نگارد: «یکی از مشاهیر بزرگ عالم که تمدن جدید اروپا بلاشک باندازه مهمی مرهون مجاهدات او است مارتین لوتر، مجدد عظیم مسیحی است. تمام علمای فرنگ اجماع دارند بر اینکه اگر لوتر طلسم تعصب مذهبی و سدّ تاریک استیلا و استبداد کشیشان کاتولیکی را نشکسته بود هنوز اروپا به این درجه تمدن و نورانیت نرسیده بود و شاید اصلاً تخم تمدن نمی‌توانست نمو کند.» (مجله کاوه، ۱۲۹۰: ۵).
ضمن پذیرش کلی بیان نویسنده و قلم شورانگیز وی، جمله فوق مقاله که در واقع موضوع پژوهش حاضر نیز هست را در تقابل با مطلب مجله کاوه آورده‌ام.

2. Rene Descart

۳. رنه دکارت فیلسوف شهیر فرانسوی هشت سال نخست تحصیل خود را در مدرسه لافلش یسوعیان گذراند. (فروغی، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

کاهش داد و به نوعی آزادسازی^۱ اقتصاد منجر شد. فرایندی که هم وبر و هم تاوونی آن را در پیشرفت جوامع پروتستانی بسیار مهم ارزیابی کردند. این پژوهش بر آن است نشان دهد که بخشی از این آزادسازی و عرفی‌سازی و بالاخص تغییر اخلاق اقتصادی از درون کاتولیسم و با نقش‌آفرینی ژزوئیت‌ها اتفاق افتاد و تنها مختص به نهضت پروتستان نبود. فرایندی که تا بدانجا پیش رفت که روحانیون ژزوئیتی ربا را نیز حلال اعلام کردند و محققان آنان مبلغان اقتصاد آزاد در سراسر دنیا شدند.

اساساً مسیحیان پاکدل و پاکدین همچنان امیدوار بودند که اصلاح به دست فرزندان خلف کلیسا انجام پذیرد. اومانیست‌هایی چون اراسموس^۲، کولت^۳، مور^۴، و بوده^۵ از هرج و مرج و آشوبی که از قیام علنی علیه کلیسا ممکن بود درگیر شود هراس داشتند. (دورانت، ۱۳۶۸: جلد ۶، ۲۹)

ژزوئیت‌ها در حقیقت خدمتگزاران دیانت مسیحی هستند که پس از ظهور پروتستان برای حفظ و تحکیم کلیسای کاتولیک جمعیتی تشکیل داده، وسیله پیشرفت کار خود را تربیت جوانان و تأسیس مدارس دانستند، چنانچه مدرسان و فضایی آن جمعیت معروفند (فروغی، ۱۳۸۴: ۱۳۱). این جماعت در سال ۱۵۳۴ میلادی توسط ایگناتیوس د لولیا بنا نهاده شد. «ایگنا» عجیب‌ترین سرباز تارک دنیا در جهان کاتولیک است که بر علیه خود آزار جسمانی قرار داد. (Edmond, 1975: 15-16)

اینیگو که برای خدمت سربازی پرورش می‌یافت درس زیادی نخواند و علاقه‌ای هم به دین نداشت. در هفت سالگی او را برای آماده شدن به خدمت سربازی نزد یکی از سرداران فرستادند و در ملازمت او بود که اینیگو به دربار راه یافت. در چهارده سالگی اینیگو به دام عشق ژرمن دو فوا، ملکه جدید فردیناند کاتولیک، گرفتار شد. در زمان خدمت سربازی (۲۰ مه ۱۵۲۱)، پای راست اینیگو با گلوله توپ در هم شکست. در هنگامه معالجه و استراحت در کلیسا، کتاب‌های مذهبی سرگذشت زندگی مسیح و گلچین زندگی قدیسان به قلم لودولفوس را مطالعه کرد و تحت تأثیر آنها قرار گرفت. از آن پس، روزها را در ریاضت، روزه و فقر گذراند. در فوریه سال ۱۵۲۳ به سوی بیت‌المقدس سفر کرد (O'Leary, 1914: 5). به خاطر

1. Enterprise
2. Desiderius Erasmus
3. Johan Colet
4. Moore
5. Bode

مخالفت ترکان با حضور وی، ناگزیر به پاریس مراجعت کرد. اما در ۱۵ اوت سال ۱۵۳۴ به همراه دانشجویان که در پاریس تحت تأثیر وی واقع شده بودند راهی یافا شد (دورانت، ۱۳۶۸: جلد ۶، ۱۰۸۶).

به علت تسلط ترکان بر فلسطین، ضمن مراجعت به خاک اروپا در پاییز ۱۵۳۷ با چند تن از پیروان به قصد دیدار با پاپ به سوی رم و ایتالیا روانه شد. ایگنا اصول خود را به پاپ عرضه داشت که از جمله آن اطاعت و فرمانبرداری از کلیسای رم و پاپ بود. در سال ۱۵۳۹ پاولوس سوم آیین‌نامه آنان را تصویب کرد.^۱ از آن پس اعضای آن فرقه، به طور مشخص، خدمتگزاران موظف انجمن عیسی خوانده شدند. واژه «یسوعی» از سال ۱۵۴۴ به بعد معمول شد و آن هم در اصل اصطلاح هجوآمیزی بود^۲ که کالون و معترضان دیگر به کار می‌بردند و خود ایگناتیوس هرگز آن را بر زبان نراند. پس از مرگ ایگناتیوس موفقیت و اعتبار آن فرقه نوین موجب شد که واژه یسوعی جنبه هجوآمیز خود را از دست بدهد و در نیمه دوم قرن شانزدهم به صورت عنوانی افتخارآمیز درآید. در ۱۷ آوریل سال

۱. سرگذشت تفضیلی اینگیو لویولا و تشکیل جماعت ژزونیته از جانب وی بدین ترتیب است:
دوین اینگیو د اونث ای لویولا در قلعه لویولا، در ناحیه باسک از ایالت گیپوتکونا، به سال ۱۴۹۱ زاده شد. اینگیو که برای خدمت سربازی پرورش می‌یافت درس زیادی نخواند و علاقه‌ای هم به دین نداشت. در هفت سالگی او را برای آماده شدن به خدمت سربازی نزد دون خوان ولاسکوئز دکونتر فرستادند و در ملازمت او بود که اینگیو به دربار راه یافت. در چهارده سالگی اینگیو به دام عشق ژرمن دوفوا، ملکه جدید فردیناند کاتولیک، گرفتار شد. در زمان خدمت سربازی وی فرانسوی‌ها به پامپلونا حمله کردند؛ با آنکه اینگیو با دلاوری خود دفاع‌کنندگان را تشجیع به پایداری کرد، اما مهاجمان دژ نظامی شهر را به دست آوردند. در این معرکه، پای راست اینگیو با گلوله توپ در هم شکست (۲۰ مه ۱۵۲۱) که نهایتاً وی را لنگ کرد. اینگیو در ماه‌های خسته‌کننده بهبودی هوس کرد باز قصه‌هایی از ماجراهای هیجان‌انگیز شهسواران دلاور و شاهزاده خانم‌های به مخاطره افتاده بخواند؛ اما کتابخانه قلعه تنها حاوی دو کتاب بود: یکی زندگی مسیح و دیگری گلچینی از زندگی قدیسان، و هر دو به قلم لودولفوس. در ابتدا سرباز از خواندن این کتاب‌ها خسته شد؛ کم‌کم چهره‌های مسیح و مریم در نظرش تجسم یافتند و قوت گرفتند. یک شب مریم و کودکش را خواب دید؛ و از آن پس چنانکه بعدها نزد کشیش کونثال اعتبار کرد، دیگر هرگز به هوس برآوردن غریزه جنسی نیفتاد. اینگیو از بستر برخاست، به زانو درآمد و سوگند یاد کرد که تا واپسین دم سرباز فداکار مسیح و مریم باشد... جامه فاخر خود را به ژنده‌پوشی داد و خرقه خشنی بر تن کرد؛ تمام شب ۲۴ ماه مارس را تنها در نمازخانه صومعه بندیکتیان در حال ایستاده یا زانو زده، در برابر محراب (مادر خدا) بیدار ماند و با خدای خود عهد بست که سراسر عمر خویش را در خودداری جنسی و تهیدستی بگذراند... در فوریه سال ۱۵۲۳، در بارسلون سوار کشتی شد. در خلال سفر، دو هفته در رم ماند؛ و قبل از آنکه روحیه کافرکیشان آن شهر بتواند در ایمان او رخنه یابد، از آنجا گریخت. در چهاردهم ژوئیه ونیز را به قصد یافا پشت سر گذاشت. پس از تحمل مصایب بسیار و در عین حال درک رویاهای روحی که موجب پشت‌گرمی می‌شدند، به فلسطین رسید. ترک‌ها، که نظارت بر آن مکان مقدس را در دست گرفته بودند، گرچه از ورود مسیحیان جلوگیری به عمل نمی‌آوردند، اما اجازه تبلیغ مسیحیت را به کسی نمی‌دادند. ناگزیر به پاریس سفر کرد. در جهت دعوت به فداکاری در سراسر عمر، میان دانشجویان دانشگاه پاریس ۹ نفر هواخواه یافت. دانشجویان جدی و جوانی که نخستین بار پی به نامفهوم بودن جهان برده بودند و آرزو داشتند که در آن دریای شک‌ها و ترس‌ها به لنگری از ایمان و امیدواری دست یابند. آنها داوطلب شدند که تقدیر و زندگی و رستگاری آن جهانی خود را یکسره به دست ایگناتیوس بسپارند. در پاییز سال ۱۵۳۷، ایگناتیوس، فاور و لاینت از ونیز به قصد رم به راه افتادند تا نقشه‌های خود را به تصویب پاپ برسانند. همه آن مسافت را پیاده پیمودند و با نان و آبی که در راه تکی می‌کردند خود را زنده نگاه داشتند. اما در تمام مدت مسافرت، با خطاری شاد، سروده‌های مذهبی می‌خواندند؛ گویی یقین داشتند که از سرچشمه نیت و نیروی همان گروه کوچک روزی سازمانی بزرگ و توانا به وجود خواهد آمد. با روی آوردن داوطلبان تازه‌ای به سوی این جمع، لازم آمد که اصول عقاید و آیین آن تصریح شوند. تعهد به فرمانبرداری محض بر دو تعهد خودداری جنسی و زندگی تهیدستانه افزوده شد؛ بدین ترتیب که فرمانده، که توسط پیروان انتخاب می‌شد، بلافاصله پس از شخص پاپ قرار گرفت. بعداً تعهد چهارمی نیز به اصول آیین فرقه مزبور اضافه شد، که عبارت بود از: خدمتگزاری به درگاه خلیفه رم به عنوان نایب خدا در زمین و اجرای فوری و بدون چون و چرای آنچه را که پاپ زمان یا جانشینانش، برای نجات ارواح و یا اشاعه دین لازم بدانند در سراسر دنیا. در سال ۱۵۳۹، ایگناتیوس از کاردینال کونترینی خواهش کرد که مواد آیین‌نامه را از نظر پاولوس سوم بگذراند و از او درخواست کند که آن گروه را به عنوان فرقه‌ای نوظهور تقدیس کند. پاپ نیز موافقت کرد (دورانت، ۱۳۶۸: جلد ۶، ۱۰۹۳-۱۰۸۰).

۲. دلیل استفاده واژه یسوعیان از سوی معترضان و از جمله شخص کالون در معنای هجوآمیز آن، تأکید بسیار ایگناتیوس رهبر نحله بر آموزه‌های بنیادی مسیحیت از جمله کیش شخصی عیسی در تهیدستی و خودداری جنسی بود.

۱۵۴۱ ایگناتیوس لویولایی به فرماندهی فرقه نوظهور انتخاب شد. تا چندین روز پس از آن کاری جز ظرفشویی و خدمات پست و پرمشقت دیگر انجام نداد. در هنگام مرگ ایگناتیوس، انجمن عیسی نزدیک به هزار عضو داشت. پس از مناقشات بسیار، که حاکی از اشتیاق به فرمانده شدن یسوعیان ظاهراً فرمانبردار بود، دیگو لاینث^۱ به فرماندهی انتخاب شد (۱۵۵۷)؛ اما از آنجایی که، در چهار پشت قبل، اجدادش یهودی بودند، عده‌ای از بزرگان اسپانیایی که در فرقه یسوعیان نفوذی داشتند او را لایق آن مقام نشناختند. پاپ پاولوس چهارم که از مادام‌العمر بودن مقام فرماندهی فرقه بیمناک بود و آن را وسیله رقابتی با مقام پاپ می‌دانست، دستور داد تا در مواد اساسنامه تجدید نظر به عمل آید و دوره فرماندهی به سه سال محدود شود؛ اما بعداً پاپ پیوس چهارم آن قرار را ملغی کرد. از آن به بعد، فرمانده یسوعیان در نسل‌های آینده لقب «پاپ سیاه» یافت (به سبب لباده سیاهی که می‌پوشید). پس از آنکه فرانسوا بورژیا، دوک گاندیا^۲، به یسوعیان پیوست و ثروت بیکرانش را وقف آن فرقه ساخت، انجمن عیسی به سرعت توسعه و قدرت یافت. هنگامی که وی به عنوان سومین فرمانده انتخاب شد (۱۵۶۵)، عده اعضای آن به ۳۵۰۰ نفر رسیده بود که در ۱۳۰ خانه، در ۱۸ ایالت یا کشور مختلف، به سر می‌بردند. اندک اندک اروپا برای فعالیت‌های یسوعیان جبهه کوچکی شمرده می‌شد. مبلغان انجمن به هندوستان، چین، ژاپن و دنیای جدید رفتند. در آمریکای شمالی ایشان به صورت پیگردانی مخاطره‌جو و جنگ‌آزما درآمدند که انواع مصایب زندگی خود را چون عنایاتی از جانب خداوند می‌پذیرفتند. در آمریکای جنوبی ایشان، بیش از هر دسته دیگری از تازه‌واردان، در راه پرورش بومیان و رواج کشاورزی علمی خدمت کردند. (دورانت، ۱۳۶۸: جلد ۶، ۱۰۹۱)

۳.۲ ژزویت‌ها، مسئله آموزش و تغییر نگرش در کلیسای کاتولیک

یسوعیان با کمال جدیت، اما با حزم و نزاکت، در کارهای دنیوی شرکت می‌جستند؛ ایگناتیوس همواره از راه اندرز به آنها گوشزد کرده بود: حزم بیشتر و دینداری کمتر بر دینداری بیشتر و حزم کمتر ترجیح دارد. یسوعیان معمولاً مردانی با سجایای بزرگ اخلاقی بودند و عیب‌هایی که بعداً بر آنها گرفته شد هنوز در آن زمان مطرح نشده بود. گرچه ایشان از لحاظ مبانی صنفیشان مؤید دستگاه

1. Diego Laynes
 2. Duke of Gandía

مثال: تعداد دانشگاه های یسوعی در آمریکای لاتین _ سال ۱۷۶۷

کشور / ناحیه	تعداد دانشگاه
مکزیک	۲۰
پرو	۱۳
تاکومان (Tucuman)	۱۴
پاراگوئه	۴
شیلی	۸
کویتو (Quito)	۹
نووا (Nueva)	۲۰
کوبا	۱
سانتو دومینگو (Santo Domingo)	۱

منبع: (Cushner, 2002: 107)

تفتیش افکار بودند، اما در عمل خود را از آن برکنار می‌داشتند و می‌کوشیدند تا از راه آموزش و پرورش به اصلاح افراد بپردازند. یسوعیان در شهرهای مهم اروپا تعدادی «مدرسه مقدماتی» که با «ژیمانزیوم» در آلمان و «لیسه» در فرانسه، یعنی مدرسه متوسطه، تطبیق می‌کرد و نیز تعدادی «مدرسه عالی» که معادل کالج بود تأسیس کردند. گاهی اوقات نیز، چنانکه در کویمبرا و لوون اتفاق افتاد، ممکن بود دانشگاه‌های موجود را تحویل بگیرند و آنها را به سبک خود اداره کنند. ایشان با دادن تعلیمات مجانی رقبای خود را به شگفتی می‌انداختند (دورانت، جلد ۵، ۷۶۰). غیر از مرام کاتولیکی یسوعیان، آنان به خاطر تخصصی‌سازی در آموزش، دلدالت اجتماعی و حقوق بشر شناخته شده‌اند. (Brodrick: 1940, quoted by Flem-

ing, RigamerBlock, 2012:7) همچون فیلسوفان مدرسی، آنان معتبرترین مدرسه یعنی مدرسه سالامانکا را در فلسفه و اخلاق بنا نهادند. در این مدرسه، عده‌ای از روشن‌ترین اذهان آن زمان مشغول به فعالیت بودند و بعضی تئوری‌های اقتصادی در باب ارزش ذاتی، قیمت عادلانه و ربا را توسعه دادند (Grice-Hutchinson: 1952, 8 quoted by Fleming, Rigamer, Block, 2012: 8). با آغاز شکل‌گیری نظم عیسوی در قرن ۱۶، ایده اقتصادی که موجب تأسیس مدرسه سالامانکا شد در زمینه رقابت آزاد بسیار رادیکال تر از آنچه بود که پیش از آن توسط آدام اسمیت مطرح شده

بود. با این حال در جهان جدید، یسوعیان به هیچ وجه مرتبط با رقابت آزاد شناخته نشده‌اند (Fleming, Rigamer, Block, 2012: 7).

متعاقب آن در حالی که اصول اقتصاد هنوز تعریف دقیقی نداشت، مطالعات مدرسه سالامانکا بنای اقتصاد آزاد را گذاشت و منادی مدرسه اتریشی اندیشه اقتصادی نیز شد (Huerta de Soto: 1996, Rockwell: 2009, quoted by Fleming, Rigamer, Block, 2012: 8).

مکتبی که نهایتاً اندیشه بازار آزاد را در نزد اندیشمندانی چون هایک پروراند (Fleming, Rigamer, Block, 2012: 8). نکته حائز اهمیت آنست که به هر حال یسوعیان و از جمله شخص ایگناتیوس افرادی مذهبی بودند و درک آنان از اقتصاد و از جمله اقتصاد آزاد با آنچه امروزه و در دنیای مدرن در باب اقتصاد است متفاوت بود. اقتصاد مدرن یک علم اثباتی است و مقدماتاً بر اینکه جهان چگونه عمل می‌کند تمرکز می‌یابد. در حالی که مسئله یسوعیان آن بود که جهان چگونه باید باشد. یعنی نگرش هنجاری. سبقه مذهبی قوی باعث آن شد که آنان اقتصاد را در راستای ابزار ببینند و نه هدف.

نظریه توجیه ابزار توسط هدف، تغییر اساسی در نگرش کاتولیکی آن زمان بود. بدین ترتیب یسوعیان کار برای ثروت به علت آنکه منتج به خیر عامه شود را مجاز شمردند. با آنکه نیت شر است، اما باید باشد، چرا که نتیجه آن با خودش متفاوت است و همچون خودش نمی‌تواند شر باشد.

بحث نتیجه و نیت آنان می‌تواند در قالب ماتریس ۲*۲ زیر تحلیل گردد:

		نیات	
		نیک	شر
نتایج	نیک	A	B
	شر	C	D

در مربع A نیت فاعل خیر و در جهت منفعت عامه است، نتیجه آن نیز مثبت و سرانجام موفق داشته است. مثال نیک در این زمینه مادر ترزا می‌باشد که با نیت ایمانی و خیر عمل کرد و نتیجه کار وی نیز به خیر منتهی شد. پس A شخصی با نیت نیک و برای نیات نیک، نتایج نیک حاصل می‌گردد. به طور عمده، کلیسا تنها می‌تواند (و باید) به ردیف سمت چپ متکی باشد، یعنی نیات خوب. در مربع D نیت فاعل بد و در جهت منفعت شخصی و نیز در راستای خودکامگی

است، نتیجه آن نیز منفی و سرانجام آن نیز شر است. مثال نیک در این زمینه دیکتاتورها می‌باشند که با نیت شخصی و فامیلی عمل کرده و نتیجه کار نیز منفی است. در مربع C نیز نیت نیک است اما نتایج منفی به دست می‌آید. مثال آن رفتار کلیسا در زمینه اقتصاد است. مربع B مربوط به نیت شخصی و بد است که برای تمایلات شخصی خود کار می‌کنند، بنابراین نتایج نیز منفی است. مربع B به گونه‌ای همان دست نامیری آدم اسمیت است که نیت منفی است^۱ اما نتایج آن مثبت است. پس در اینجا نگرش یسوعیان در راستای توجیه ابزار به واسطه نتایج حاصل در قالب مورد B مطرح می‌شود. (Fleming, Rigamer, Block, 2012: 9-10)

همچنین آنان مرجع قضاوت و حق داوری را از نماینده خدا بر روی زمین (پاپ) دریغ داشتند و آن را در اختیار قوه فهم و استدلال انسانی گذاشتند؛ هر چند اگر آن انسان یک محقق یسوعی باشد. کتاب «کتاب‌های بزرگ جهان غرب» یکی از نظریات مهم یسوعیان را ذکر می‌کند که گذار تاریخی در آن دوران را به خوبی یادآور می‌شود. نظریه احتمال^۲ آنان بیان می‌دارد که اقتدار نهایی که فرد در مقابل آن مسئول است، کتاب مقدس^۳ نیست. بلکه هر نظر شناخته شده از سوی محققان یسوعی، حتی اگر متکی بر احتمال باشد، نظر احتمال [مربوط به محققان یسوعی] نظری است که منطقی برای آن وجود دارد. ضرورتاً صحیح نمی‌باشد اما مستدل و عقلی است. (Great Books of the Western World, 1952: vol33: 3)

۳.۳ اعمال ژزوئیت‌ها و تغییر نگرش به مسئله اقتصاد و تجارت

متعاقب بعضی اصول الهیون مدرسه سالامانکا، درک روحانیون کاتولیکی از اقتصاد در قرون میانه به طور رادیکالی تغییر یافت. (Hotard, Feleming, Anand, Block: 2010: 80) محققان سالامانکایی برای پرورش ایده‌های خود از علت و منطقی بهره می‌جستند. آنها به درستی دریافته بودند که برای عدالت و بهبود اقتصادی، بازار آزاد مقدمه واجبی به حساب می‌آید.

در این زمینه آراء ژزوئیت بلژیکی، لئوناردو لسیوس^۴ حائز اهمیت است. سابقه زندگی در محیط تجاری پرازدحام آنت‌ورپ^۵ در آراء وی مؤثر بود. وی معتقد بود

۱. در این مبحث (مذهب کاتولیکی) فرض بر آن است که خودخواهی و کار برای خود منفی است.

2. Probable opinion
3. Scripture
4. Leonard Lessius
5. Antwerp

که قیمت عادلانه متعاقب بازار مشارکتی حاصل می‌گردد. همچنین برای قیمت‌ها این مسئله امکان‌پذیر است که در حوزه اقتدار عمومی تعیین گردد.

آراء لسیوس با آراء بنیانگذار مدرسه سالامانکا و استاد دومینکی آن فرانسیسکو د ویتوریا^۱ همخوانی داشت. (Hotard, Feleming, Anand, Block: 2010, p. 81) لسیوس به بازار آزاد معتقد بود و بیان کرد که بازار آزاد روشی کافی و مؤثر برای تعیین دستمزدهاست. اصطلاح بازار آزاد را نخستین بار وی به کار برد. وی معتقد بود که قیمت‌ها باید در شرایط عادی و آزاد و بدون دخالت دولت‌ها و به صورت خودکار تعیین گردد. (Hotard, Feleming, Anand, Block: 2010, p. 82)

به طور کلی می‌توان گفت ژزوئیت‌ها طرفدار ربا بودند. هر چند آن را با نام‌های متفاوتی بیان می‌کردند. آنان معتقد بودند که شرایط و محیط باید مهم‌ترین عامل تعیین نرخ ارز باشد. (Fred, 2010: 3) برجسته‌ترین ویژگی ژزوئیت‌ها در این حقیقت نهفته بود که آنان در کار تجاری و اقتصادی درگیر شده بودند. تشخیص بیشتر مبلغان مذهبی آنان در خارج از مباحثان تجاری و اقتصادی کاری دشوار بوده است.

آنان تلاش کردند که صنعت صید ماهی در کوچین را انحصاری کنند. همچنین تمام اعمال تجاری و بانکداری کارتاژ، کویتو و اوندا و به بیانی تمام آمریکای لاتین در دست آنان بود. (Fred, 2010: 6) بدین ترتیب ژزوئیت‌ها تمام زمین و دریا را از طریق تجارت پوشش داده بودند. (Broderick, 1934: 18) در زمان کاردینال هوسیوس^۲ لهستان در رونق بود، از داخل متحد و در خارج قوی بود. همچنین از آزادی نسبی برخوردار بود. پروتستان‌هایی که از تفتیش عقاید در هراس بودند به آنجا فرار می‌کردند. کاردینال هوسیوس درهای لهستان را به روی ژزوئیت‌ها گشود. اما در هنگام ورود آنان، لهستان رو به ضعف گذارده بود. آنان در آنجا بعضی مقامات قضایی مهم را به دست آوردند و تمام آموزش جوانان را دست داشتند. همچنین مأموریت‌های مذهبی آنان به هند در ۱۵۵۹ آغاز شد و در ۱۵۶۰ نیز به موزامبیک رفتند (Wylie, 1887: 40).

زمانی که آنان به پاراگوئه رفتند، در آنجا خود حکومت تشکیل دادند و ساکنان محلی را ابتدا در چند شاخه مفید آموزش دادند، اما اندکی بعد سیاست آنان تغییر

1. Francisco de Vitoria
2. Cardinal Hosius

کرد و با آنان تا سرحد بردگی رفتار کردند و آنان را به خاطر کار و سود به خدمت گماردند. همچنین در رابطه با دهقانان سیاست‌های منفعت‌طلبانه‌ای اتخاذ کردند (Wylie, 1887: 41).

مثال: مزارع یسوعیان در سال ۱۷۶۵

کشتزار	تعداد یسوعیان	جریب Acres	تعداد بردگان	درآمد سالانه به لیره استرلینگ انگلستان (£)
اس تینیگس (St. Inigoes)	۱	۲۰۰۰	۲۰	۹۰
نیو تاون (Newtown)	۳	۱.۵۵۰	۲۹	۸۸
پورت اباکو (Portobacco)	۳	۴.۴۰۰	۳۸	۱۸۸
وایت مارش (White Marsh)	۲	۲.۱۰۰	۶۵	۱۸۰
دیر کریک (Deer Creek)	۱	۱۲۷	۷	۲۴
کوین تاون (Queenstown)	۱	۲۰۰	۷	۱۸
بوهم (Bohemia)	۱	۱.۵۰۰	۲۶	۱۰۸
جمع کل	۱۲	۱۱.۸۷۷	۱۹۲	۶۹۶

منبع: Cushman, ۲۰۰۲: ۱۲۷

در برزیل، تأسیسات آنان بنیادهای یک تجارت پرسود را شکل داد. در آنجا یسوعیانی همچون سانتافه^۱ و بئونس آیروس^۲ در رأس انبارخانه‌ها بودند. اما در رابطه با کار تجاری یسوعیان در دیگر کشورها، بیش از همه از پدر لاولته^۳ نام برده شده است. او مؤسساتی چون دومینگو^۴، گرانداه^۵، لوسیاه^۶ و وینسنت^۷ را تأسیس کرد و معاوضات ارزی^۸ را خود در پاریس، لندن، بوردو^۹، نانتس^{۱۰}، لیون^{۱۱}، کادیز^{۱۲}،

1. Santa Fe
2. Buenos Ayres
3. Lavallette
4. Domingo
5. Granada
6. Lucia
7. Vincent
8. Bills of exchange
9. Bordeaux
10. Nantes
11. Lyons
12. Cadiz

لیقورن^۱ و آمستردام^۲ انجام می‌داد (Wylie, 1887: 41).

کشتی‌های او برده‌های دورگه^۳ را جابه‌جا می‌کردند. (A Glimpse of the Great Secret Society, 1872: 79) آنان به قوانین تجاری واقعی نمی‌نهادند و قانون بیطرفی را نقض می‌کردند (Wylie, 1887: 42).

اعمال تجاری و اقتصادی آنان در هند به حدی رسید که پاپ بندیکت چهارم با انتشار نامه‌ای در ۱۷۴۱ آنان را از ورود و درگیر شدن در اعمال تجاری و اعمال برده‌داری ممنوع ساخت (Wylie, 1887: 42). بسیاری از پدران روحانی در اعمالی ورود داشتند که اساساً ربطی به دین و مسایل مربوط به آن نداشت. مراکز تجاری آنان در برزیل، هند و آنتیلز^۴ محصولات تولیدی استعماری را به فروش می‌رساندند. در مارتینکو^۵ تولیدکنندگان مزارع بزرگی را به زیر کشت می‌بردند که توسط برده‌های سیاه‌پوست برداشت می‌شد. (Dominique, 1955: 190-191, quoted by Edmond, 1975: 67). کشیشان سفیدپوست یسوعی در شمال آفریقا نیز تبدیل به ثروتمندترین افراد شدند. (Edmond, 1975: 66)

یسوعیان در آمریکا با شدت عمل خاصی کارگران کافر را در راستای کامیابی خود به کار می‌گماردند. در مکزیک کارخانه تصفیه شکر، کارخانه فرش‌بافی و معدن نقره بنا نهادند و در پاراگوئه به کشت چای و کاکائو پرداختند. آنان همچنین به پرورش احشام روی آوردند و حتی آنکه سالی ۸۰۰۰ قاطر را صادر می‌کردند (Edmond, 1975: 67).

در سال ۱۶۴۷ پاپ، قدیس ششم^۶، اسقف پالافوکس^۷ را برای بازدید و ارزیابی وضعیت یسوعیان به امریکای لاتین گسیل داشت. وی در نامه‌ای خطاب به پاپ چنین نگاشته است تمام ثروت امریکای لاتین در دستان یسوعیان است. (Edmond, 1975: 6) پدران روحانی در چین وام با بهره ۲۵، ۵۰ و حتی ۱۰۰ درصد می‌دادند. (Edmond, 1975: 67)

با این وجود یسوعیان با روش آموزشی، تدبیر سیاسی و جانبازی خود در راه مقصود، با شوری متکی بر انضباط و مهارتی در منطبق ساختن هدف‌هایشان با

1. Leghorn
2. Amsterdam
3. Negro
4. Antilles
5. Martinique
6. Pope Innocent VIII
7. Bishop Palafox

وسایل و امکانات موجود، توانستند موج مهاجم جنبش پروتستان را به عقب برانند و دوباره قسمت بزرگی از آلمان، بیشتر خاک مجارستان و بوهم و همه لهستان مسیحی را به کلیسا بازگردانند. به ندرت گروهی آنقدر کوچک توانسته است اقداماتی آنقدر بزرگ را در مدتی آنقدر کوتاه به انجام برساند. سال به سال بر حیثیت و نفوذ یسوعیان افزوده شد و هنوز بیست سال از تاریخ تأسیس رسمی آن نگذشته بود که به عنوان درخشان‌ترین نتیجه حاصل از نهضت اصلاحات کاتولیکی شهرت یافت (دورانت، جلد ۵، ۷۶۱).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

با عطف به نظریه وبر، آثار متعددی به مسئله گذار به دوران جدید، پیدایش روح سرمایه‌داری و اخلاق پروتستانی اشاره داشته‌اند. مبحثی که همراه با توضیح و توصیف نقش بزرگ لوتر مطرح می‌گردد. این چنین است که سرمایه‌داری مولود روحیه پروتستانی و خود پروتستانیزم نیز مولود کار لوتر برشمرده می‌شود. مقاله حاضر مدعی آنست که رویکرد فوق، تا حدی تقلیل‌گرایانه است چرا که روح زمانه و یا در حقیقت اضطراب آنست که اصلاح و اصلاح‌گری را ضروری می‌نماید و نه صرفاً تلاش‌های یک نفر. در زمانه اصلاح، گویی همگان ضرورت آن را احساس می‌کنند و نه تنها آنانکه، به عنوان اصلاح‌گر نامیده می‌شوند.

بنابراین گرچه اعتراف به نقش بزرگ لوتر در گذر به دوران جدید و اشارت صحیح و ظریف وبر به آن، طبیعی به نظر می‌رسد، اما در زمان رفرماسیون مذهبی، به ضرورت زمان، اصلاح‌گران بزرگی از درون کلیسای کاتولیک سربرآوردند که عملکرد آنان موجد اصلاحات و تغییرات بود.

یکی از آثار مهم نهضت اصلاح دینی عرفی شدن اقتصاد و جدایی آن از دین بود. این عرفی‌سازی، کنترل روحانیون بر اعمال اقتصادی را بسیار کاهش داد. این مقاله نشان داد که بخشی از این آزادسازی و عرفی‌سازی و بالاخص تغییر اخلاق اقتصادی از درون کاتولیسم و با نقش‌آفرینی ژزوئیت‌ها اتفاق افتاد و تنها مختص به نهضت پروتستان نبود. در حقیقت، اگر چه در تمام امور از جمله اقتصاد روحانیون یسوعی حضور و نقش‌آفرینی داشتند اما عملکرد خود آنان منجر به عرفی‌سازی و آزادسازی در حوزه اقتصاد شد.

در نهضت پروتستانیزم، به وسیله کنار گذاردن روحانیون؛ تغییرات تدریجاً اعمال شد. اما در کلیسای کاتولیک این تغییرات با نقشی که خود روحانیون داشتند، به وجود آمد. جنبش پروتستانیزم سرآغازی مذهبی داشته است، در پرتو اصلاح مذهبی به اصلاح در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روی آورد و تغییرات شگرفی همچون گسترش آموزش، رونق کار و اقتصاد آزاد حاصل شد. اما یسوعیان با آنکه در اصول، به موارد مهمی چون تعهد به فرمانبرداری محض از دو اصل خودداری جنسی و زندگی تهیدستانه وفادار بودند و خدمتگزاری به درگاه خلیفه رم به عنوان نایب خدا در زمین را نیز برای خود فرض دانسته بودند، با این وصف آنان نیز به امر آموزش اهتمام کامل ورزیدند و در امر اقتصاد، مبلغ بازار آزاد شدند. بدین ترتیب آنان نیز اصلاح‌گری و عرفی‌سازی را موجب شدند.

فهرست منابع

الف) فارسی

الطویل، توفیق (۱۳۸۳)، **تاریخچه کشمکش عقل و دین**، ترجمه علی فتحی لقمان، شیراز: نوید شیراز.

ایلخانی، محمد (۱۳۸۲)، **تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس**، تهران: سمت.
باتامورتی. مراد، ا. الگار، ح. احمد، ع (۱۳۷۹)، **رُفورم در گفتمان سیاسی غرب و اسلام**، ترجمه و تلخیص دکتر اصغر افتخاری، فلسفه، کلام و عرفان «کتاب نقد» پاییز ۱۳۷۹ - شماره ۱۶.

برایان، موریس، شرف الدین، سیدحسین (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی دین** از دیدگاه ماکس وبر، **مجله معرفت**، خرداد و تیر ۱۳۷۹، شماره ۳۴ (از صفحه ۲۹ تا ۴۴).

دورانت، ویل (۱۳۶۸)، **تاریخ تمدن**، کتاب ششم (اصلاح دین)، ترجمه فریدون بدره‌ایی، سهیل آذری، پرویز مرزبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
طاهری، محمدحسین (۱۳۸۹)، **معنا و ماهیت کلیسای کاتولیک**، سال دوم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹.

کیویت، دان (۱۳۸۰)، **دریای ایمان**، ترجمه حسن کامشاد تهران: طرح نو.
مجله کاوه (۱۲۹۰)، **مشاهیر مردمان مشرق و مغرب (۵): لوتر**، ۲۴ اردیبهشت ۱۲۹۰ - شماره ۵۷.

ب) انگلیسی

- A Glimpse of the Great Secret Society. (1872). ed. London, p. 79.
- Bishop, Paul A. (2004). **Martin Luther and the Protestant Reformation**.
<http://www.hccfl.edu/media/173616/ee2luther.pdf>.
- Broderick, S.J., James. (1940). **The Origin of The Jesuits**. New York, NY: Longmans, Green and Co.
- Clausen, Benjamin L. (2008). **GALILEO: REVELATION, SCIENCE, AND THE CHURCH**, the Foundation for Adventist Education Institute for Christian Teaching.
- Cushner, Nicholas P. (2002). **Soldiers of God: The Jesuits in Colonial America**, 1565–1767, 1767, Language Communications, - America.
- Cunningham, Lawrence S. (2009). **An Introduction to Catholicism**, Cambridge University Press. Education Department – General Conference of Seventh-day Adventists.
- Delacroix, Jacques, and François Nielsen. (2001). "The Beloved Myth:

- Protestantism and the Rise of Industrial Capitalism in Nineteenth-Century Europe." **Social Forces**. Vol. 80(2):509-553.
- Dominique, Pierre. (1955). **La polities des Jesuits**, Grasset, Paris.
- Fleming, Chris& Rigamer, David& Block, Walter. (2012). The Jesuits: from Markets to Marxism; from property protection to social progressivism, **Romanian Economic and Business Review**, Vol. 7. (21).
- Great Books of the Western World. (1952). Published by Encyclopedia Britannica, Inc., **Library of Congress Catalog**. Vol.33.
- Grice-Hutchinson, Marjorie. (1952). **The School of Salamanca**: Oxford: Oxford University Press.
- Hotard, Barbara, & Fleming, Tiffany & Anand, Shashank, & Walter, Block (2010) Competing Catholic Views on Private Property and Free Enterprise, **American Review of Political Economy**, June 2010. Volume 8(1).
- Kong, Hans. (2007). **The Catholic Church: A Short History**, Translated By: John Bowden, Random House Publishing Group.
- Paris, Edmond. (1975). **The Secret History of Jesuit**.
- Seddon, Fred. (1991). **The Jesuits and the spirit of capitalism**, Appeared in Wheeling Jesuit College's Annual Spring.
- Tawny, R. H. (1926). **Religion and the Rise of Capitalism: A Historical Study**. New York, Harcourt Brace & Co.
- Walker, R. A. Norris, D. W. Lotz, and R. T. Handy. (1985). **A History of the Christian Church**, New York: Charles Scribner's Sons.
- Wylie, LL.D. (1887). **History of the Jesuits**, Excerpted from History of Protestantism, vol 2.
- Young, Cristobal. (2009). **Religion and Economic Growth in Western Europe: 1500-2000**, Department of Sociology Stanford University.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني